



نقض حقوق بشر

به خاطر گرایش و هویت جنسی و همجنس‌گرایی افراد
در جمهوری اسلامی ایران

تسلیم مقاله به صد و سومین نشست کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد
(۱۷ اکتبر - ۴ نوامبر ۲۰۱۱)

کمیسیون حقوق بشر زنان و مردان همجنس‌گرا (IGLHRC)

www.IGLHRC.org

سازمان دگرباشان جنسی ایرانی (IRQO)

www.IRQO.org

فهرست مندرجات

۳.....	مقدمه.....
۴.....	عدم تبعیض و حقوق برابر مردان و زنان.....
۸.....	حق زندگی.....
	ممنوعیت شکنجه و مجازات‌های بی‌رحمانه، رفتار یا تنبیه غیرانسانی و اهانت‌آمیز؛ حق آزادی
۱۰.....	و امنیت فردی؛ و رفتار درست با افراد محروم از آزادی.....
۱۲.....	حق برخورداری از محاکمه عادلانه.....
۱۴.....	آزادی عقیده و بیان.....
۱۶.....	تشکیل آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز.....
۱۸.....	توصیه‌ها.....

مقدمه

این گزارش، مقاله مشترکی از کمیسیون حقوق بشر زنان و مردان همجنس‌گرا (IGLHRC) و سازمان دگرباشان جنسی ایرانی (IROO) برای تسلیم به کمیته حقوق بشری سازمان ملل متحد است و سبب تسلیم آن، بررسی سومین گزارش دوره‌ای دولت ایران در موضوع اجرای میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است.

هدف این گزارش خاطرنشان کردن نقض گسترده و سازمان‌یافته حقوق بشر دگرباشان جنسی (زنان و مردان همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا و تراجنسی)، مردانی که با مردان (MSM) و زنانی که با زنان (WSW) رابطه جنسی دارند، در ایران، برخلاف تعهدات بین‌المللی این کشور تحت میثاق بین‌المللی است.

دو سازمان ایگل‌هرک و ایرکیو به طور خاص، توجه کمیته حقوق بشری سازمان ملل را به نقض حقوق بشر در موارد زیر جلب می‌کنند.

- قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران ("the Penal Code") هرگونه عمل همجنس‌گرایی را جرم می‌داند و به صورت خیلی جدی برای یک سری از رفتارهای همجنس‌گرایانه مجازات اعدام را در نظر گرفته است.
- قانون مجازات به اندازه کافی بین رابطه جنسی رضایت‌مندان و اجباری، تمایز قائل نمی‌شود و در برخی موارد به اشتباه، قربانیان محکوم و تجاوزگران تبرئه می‌شوند.
- ارشدترین مقامات ایرانی، بارها اظهارات همجنس‌گراستیزانه‌ای داشته‌اند که میزان تحریک خشونت و تبعیض را می‌رساند.
- ترکیب مردسالاری و همجنس‌گراستیزی در جامعه ایران شرایطی را برای زندگی زنان لژیون ایجاد می‌کند که می‌توان گفت به طور قطع منجر به کاهش آزادی بیان و افزایش خطر رابطه جنسی اجباری و خشونت خانگی برای آنها می‌شود.
- افراد تراجنسی، ممکن است به جرم لواط و قوانین حاکم بر پوشش مجازات شوند. علاوه بر این ممکن است از ابراز و تصریح عقاید خود محروم شوند.
- افرادی که رفتار همجنس‌گرایانه از آنها مشاهده می‌شود، در معرض دستگیری‌های خودسرانه، شکنجه در بازداشت‌های دولتی و محرومیت از حق داشتن یک محاکمه عادلانه هستند.
- افراد نگران در رابطه با نقض حقوق دگرباشان جنسی - از جمله مدافعان حقوق بشر، اعضای خانواده و روزنامه‌نگاران - از سوی پلیس و نیروهای امنیتی ترسانده و تهدید به بازداشت شده‌اند.
- در رابطه با اطلاعات مرتبط با دگرباشان جنسی فضای سانسور، از جمله استراق سمع، بستن وبسایت‌ها و تهدید به دستگیری، حاکم است.
- حق دگرباشان جنسی برای گردهم‌آیی و داشتن ارتباط با همدیگر در جامعه ایران به طور کامل نادیده گرفته می‌شود، رویدادهای عمومی آنان در عمل وجود خارجی ندارند، مسائل خصوصی زندگی آنان مورد هجوم دیگران قرار می‌گیرد و حتی منجر به بازداشت آنان می‌شود و حتی دولت حضور آنلاین آنان را هم محدود کرده است.

اندازه، وسعت و شدت تخطی دولت ایران از حقوق بشر دگرباشان جنسی، مردانی که با مردان و زنانی که با زنان رابطه جنسی دارند، نقض واضح و روشن میثاق بین‌المللی را می‌رساند.

عدم تبعیض و حقوق برابر مردان و زنان

(بند ۲ ماده ۱، ۳ و ۲۶)

بند (۲) و مواد ۱، ۳ و ۲۶ از این کنوانسیون در میان دیگر موضوعها، احترام، برابری و عدم تبعیض برای همه‌ی افراد بر اساس مواردی مانند نژاد، رنگ و جنس را فراهم آورده است. در پرونده تاریخ‌ساز تونین در مقابل دولت استرالیا در سال ۱۹۹۴، کمیته حقوق بشر سازمان ملل در توضیح بندهای ۲(۱) و ۲۶ گفت اشاره‌شان نباید تنها محدود به «جنس» شود بلکه باید شامل گرایش جنسی نیز باشند، همچنین کمیته اضافه کرد این بندها مخالف جرم‌انگاری اعمال همجنس‌گرایانه رضایت‌مندانه افراد است و چنین جرم‌انگاری‌ای به صراحت، بند ۱۷ مربوط به حریم خصوصی افراد را نقض می‌کند.^۱ تنها در دوازده ماه گذشته، کمیته برای پایان دادن به جرم‌انگاری اعمال جنسی بین بزرگسالان همجنس، دو مرتبه به دولت‌ها تذکر داده است.^۲ علاوه بر این، به دو دولت توصیه شده است تا گام‌های مثبت در جهت پایان بخشیدن به تعصب و تبعیض ملی در برابر دگرباشان جنسی بردارند.^۳

جرم شمردن اعمال همجنس‌گرایانه و

کوتاهی دولت برای قائل شدن تمایز بین رابطه جنسی اجباری و رضایت‌مندانه

قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران ("the Penal Code") اعمال جنسی رضایت‌مندانه را که بین دو همجنس انجام می‌شود جرم می‌شناسد (چه بین زنان و چه بین مردان) و مجازات آنها، اعدام در نظر گرفته می‌شود.^۴ در حقیقت قانون مجازات در ایران، اعمال همجنس‌گرایانه مرضی‌الطرفین را در کنار جرم‌هایی مثل تجاوز به عنف، کودک‌آزاری و قاچاق جنسی می‌گذارد که نشانه‌ای تأثیربرانگیز از طرز بینش حکومت ایران بر همجنس‌گرایی است.^۵

مطابق بندهای ۱۱۱ و ۱۱۲ قانون مجازات اسلامی، یک مرد بالغ، عاقل و دارای اختیار در زمان ارتکاب اعمال همجنس‌گرایانه، ممکن است به اعدام محکوم شود. به همین ترتیب، ماده ۱۳۰ این قانون، نشان می‌دهد که شکل‌های خاص از روابط همجنس‌گرایانه بین زنان بالغ، عاقل و دارای اختیار پیگرد جزایی دارد. بنابراین، قانون امکان اجبار در زمینه اعمال همجنس‌گرایانه بین زنان و مردان را در نظر گرفته و همچنین این امکان را که قربانی نباید الزاماً با مجازات مرگ تنبیه شود نیز تشخیص داده است.

^۱ Toonen v. Australia, CCPR/C/50/D/488/1992، کمیته حقوق بشر سازمان ملل (HRC)، ۴ آوریل ۱۹۹۴، موجود در:

<http://www.unhcr.org/refworld/docid/48298b8d2.html>

^۲ CCPR/C/ETH/CO/1، ۲۵ جولای ۲۰۱۱، پاراگراف ۱۲؛ CCPR/C/TGO/CO/4، ۱۸ آوریل ۲۰۱۰، پاراگراف ۱۴

^۳ CCPR/C/MNG/CO/5، ۲ می ۲۰۱۱، پاراگراف ۹؛ CCPR/C/POL/CO/6، ۱۵ نوامبر ۲۰۱۰، پاراگراف ۸

^۴ با توجه به قانون مجازات ایران، "هر دو طرف رابطه جنسی همجنس‌خواهانه به یک اندازه مسئول و مجرم هستند" (بند ۱۰۹)، مگر اینکه یکی از آنها: تحت اجبار بوده باشد، زیرسپن قانونی باشد یا اینکه مشکلات روحی-روانی داشته باشد. (بندهای ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۳) بند ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی ایران لزبیتسم یا مساحقه را به عنوان عمل جنسی بین دو زن که شامل اندام تناسلی آنها می‌شود تعریف می‌کند. (بند ۱۲۷) مجازات روابط همجنس‌گرایانه بین دو زن ۱۰۰ ضربه شلاق است (بند ۱۲۹) اما اگر جرم‌شان دوباره تکرار شود، چهار بار اعدام می‌شوند. (بندهای ۱۲۱ و ۱۲۲) اگر دو مرد بالغ و عاقل که به میل خود رابطه مفعدی با یکدیگر برقرار کرده‌اند اعدام می‌شوند. (بند ۱۱۰) اگر دو مرد تنها مرتکب عمل تفخیز (لذت جنسی بدون دخول) شده باشند، مجازات‌شان برای سه بار اول ۱۰۰ ضربه شلاق است و بعد از آن ۲ مرتبه اعدام می‌شوند. (بندهای ۱۲۱ و ۱۲۲) اگر دو مرد زیر یک پتو برهنه یافت شوند، هر کدام از آنها ۱۰۰ ضربه شلاق خواهند خورد. (بند ۱۲۲) در نهایت، اگر دو مرد یکدیگر را بوسه‌ی عاشقانه زنند، آنها با ۶۰ ضربه شلاق مجازات خواهند شد. (بند ۱۲۴)

^۵ مجازات همجنس‌گرایی در دومین کتاب قانون مجازات اسلامی ایران جزئی‌نویسی شده است که به تفصیل راجع به تنبیه بدنی (حدود) اختصاص داده شده است. جرائمی که در این کتاب ذکر شده‌اند عبارتند از: (۱) رابطه جنسی خارج از ازدواج (زنا و تجاوز به عنف)، (۲) روابط همجنس‌گرایانه مردان، (۳) روابط همجنس‌گرایانه زنان، (۴) قوادی (مترجم: از نظر فقهی به جمع کردن و مرتبط کردن دو نفر یا بیشتر برای زنا یا لواط گفته می‌شود - در فرهنگ عامیانه: جاکشی کردن)، (۵) اتهامات جنسی غیر عمدی، (۶) مصرف الکل، (۷) قیام مسلحانه، (۸) سرقت، پنج جرم اولی که در این کتاب درباره‌اش بحث شده است، همه مربوط به طبیعت جنس و جنسیت است.

با این حال، بدبختانه تمایز حقوقی میان اعمال همجنس‌گرایانه اجباری یا رضایت‌مندانه با کاستی‌هایی همراه است. دو موضوع مهم در اینجا وجود دارد.

اول اینکه با توجه به رابطه جنسی بین مردان، قانون، تمایز قابل توجهی بین اصطلاح «فاعل» و «مفعول» قائل شده است. قوانین ایران تنها کسی که عمل دخول را انجام داده است به عنوان یک متخطی بالقوه‌ی خشونت جنسی می‌شناسد. این یک قصور محض است در شناسایی این حقیقت که فرد فاعل ممکن است عمل دخول را انجام داده باشد یا نداده باشد و اینکه روی قربانی عمل دخول انجام گرفته باشد یا نباشد. این منطق و استدلال غلط به طور بالقوه، نمی‌تواند متجاوزین را مسئول بداند و در عوض قربانیان را تحت پیگرد قانونی قرار می‌دهد. (با توجه به اینکه در مساحقه، هیچ تبعیضی بین طرفین رابطه جنسی قرار داده نمی‌شود.)

دومین مورد هم این است که، همه قوانین جزایی‌ای که به همجنس‌گرایی اشاره می‌کنند، حتی آنهایی که در ارتباط با تجاوز جنسی هستند، در گروه خشونت جنسی و تجاوز به عنف قرار نمی‌گیرند بلکه به عنوان اعمال همجنس‌گرایانه شناخته و مجازات می‌شوند.^۶

نه تنها در نظر اول این قوانین نامساعد هستند، در عمل هم ناکافی و نامناسبند. از آنجا که مجازات اعمال همجنس‌گرایانه چه رضایت‌مندانه و چه غیر رضایت‌مندانه مرگ است، در طرفین یک رابطه همواره انگیزه برای بد جلوه دادن حقیقت وجود دارد که می‌تواند منجر به محکومیت به ناحق و در نهایت مرگ به ناحق شود.

تحریک به تبعیض

تبعیض علیه افرادی که جزو جامعه اقلیت‌های جنسی هستند و مردانی که با مردان (MSM) و زنانی که با زنان (WSW) رابطه جنسی برقرار می‌کنند محدود به قانون نیست. مقامات رسمی ایران بارها اعمال همجنس‌گرایانه و افراد همجنس‌گرا را در اظهارات عمومی خود محکوم کرده‌اند. در طی یک مصاحبه مطبوعاتی در ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۱، رئیس‌جمهور وقت، محمود احمدی‌نژاد درباره همجنس‌گرایی عنوان کرد: «عمل شنیع همجنس‌گرایی... این برای بشریت زیان‌بار و کثیف است»^۷ در ژانویه ۲۰۱۱، از همان فرد در رسانه‌های ایرانی نقل شد که گفته بود «همجنس‌گرایی جدایی بشریت از کمال خود است»^۸ مشابه همین، رهبر ایران آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای بارها به همجنس‌گرایی تحت عناوین مانند «رسوایی»، «شرمساری»، «رفتار بیان‌نشدنی» و «فساد اخلاقی» تاخته بود.^۹

مقامات حکومتی، همجنس‌گرایی را در زمره اعمال مجرمانه طبقه‌بندی کرده‌اند و آن را مثالی از فروپاشی اخلاقی به‌شمار می‌آورند و به این شکل به بخش‌های دولتی و خصوصی اجازه می‌دهند تا هر نوع محدودسازی اجتماعی و تنبیه گسترده‌ای را بر دگرباشان جنسی روا دارند و ادامه دهند.^{۱۰} این ستیز به قدری شدید است که شمار قابل توجهی از دگرباشان جنسی ایرانی از وطن خود آواره و مجبور به پناهندگی در کشورهای دیگر شده‌اند.^{۱۱}

^۶ بندهای ۱۱۱، ۱۱۲ و ۱۳۰ از قانون مجازات اسلامی اینگونه عنوان شده‌اند: "مجازات‌های لواط"
^۷ "آقای رئیس‌جمهور در مصاحبه خود با رسانه‌های ایالات متحده: سیاست ناتو در خاورمیانه با سیاست‌های توسعه‌طلبانه‌ی آمریکا در یک راستا است." مشاهده کنید در: <http://dolat.ir/NSite/FullStory/?id=206515> (نشست ۲۰۱۱/۱۰/۰۳)
^۸ "نظر احمدی‌نژاد درباره همجنس‌گرایی در ایران"، مشاهده کنید در: <http://alef.ir/1388/content/view/93350> (نشست ۲۰۱۱/۱۰/۰۳)
^۹ جستجوی مقالاتی درباره همجنس‌گرایی از صفحه رسمی آیت‌الله خامنه‌ای را ببینید:
<http://farsi.khamenei.ir/search-> (نشست ۲۰۱۱/۱۰/۰۳)
^{۱۰} گزارش حقوق بشر با نام "We are a Buried Generation" یک پرونده‌ی کامل رسیدگی به خشونت و تبعیض علیه اقلیت‌های جنسی ایرانی بر اساس شهادت بیش از ۱۰۰ ایرانی است.

<http://www.hrw.org/reports/2010/12/15/we-are-buried-generation>

^{۱۱} بین اکتبر سال ۲۰۰۷ و آوریل ۲۰۱۰، سازمان دیده‌بان حقوق بشر سه بار به ترکیه رفت و با ۱۲۵ دگرباش ایرانی جنسی که آزار و اذیت شدن به‌خاطر هویت جنسی خود را دلیل پناه‌جویی‌شان ذکر کرده و به همین دلیل در ترکیه مقیم موقت بودند، مصاحبه کرد. برای جزئیات بیشتر درباره وضع اسفناک پناهندگان دگرباش ایرانی در ترکیه نگاه کنید به:

روابط جنسی زنان با زنان و لزیب‌ها

نقض حقوق بشر لزیب‌ها و زنانی که با زنان رابطه جنسی برقرار می‌کنند (WSW)، به شکلی ترسناک محدود و اندک مستند و ثبت شده است. ترکیب مردسالاری و همجنس‌گراستیزی وضعیت خطرناکی برای لزیب‌ها ایجاد کرده و آنها را در سطح بالایی از آسیب‌پذیری و مخفی‌کاری قرار می‌دهد. به عنوان مثال، برای لزیب‌ها به نسبت گی‌ها احتمال دستگیری خودسرانه کمتر است زیرا آنها احتمالاً کمتر قادر به این خواهند بود که خود را آزادانه در جامعه نشان بدهند. اما نباید این‌گونه استنباط شود که آنها لزوماً در امنیت هستند یا زندگی بهتری دارند. در جامعه‌ای که زنان دگرجنس‌گرا با محدودیت‌های فراوانی در زندگی خود روبرو هستند، لزیب‌ها علاوه بر این محدودیت‌ها، با همجنس‌گراستیزی نیز در زندگی خود باید کنار بیایند. به دلیل انتظارات اجتماعی از نقش‌های سنتی زنان و کوتاهی دولت در احیا و احقاق حقوق زنان که به آنها اجازه استقلال کامل اقتصادی و حقوقی می‌دهد، لزیب‌ها می‌توانند وابستگی بیشتری به خانواده‌های خود داشته باشند و با احتمالی بیشتر ممکن است آنها را مجبور به ازدواجی اجباری با یک مرد کنند. در نتیجه این محدودیت‌ها، می‌توان دریافت که لزیب‌ها از حقوق اساسی خود یعنی کرامت انسانی و آزادی بیان، محروم شده‌اند. در عین حال، همین موانع ممکن است لزیب‌ها را برخلاف خواسته‌ی خود، مجبور به داشتن رابطه جنسی با مردان دگرجنس‌گرا کند. خشونت خانگی، چه در خانه‌ی پدر و مادر و چه در خانه‌ی شوهر، یک حقیقت در زندگی بسیاری از زنان است و در نتیجه، تمام دلایل به ما می‌گویند فرضاً اگر زنی از نقش جنسی و هنجارهای مرسوم آن سر باز زد به احتمالی زیاد در معرض خشونت قرار می‌گیرد.

حقوق افراد تراجنسی

حکومت ایران آشکارا حق این افتخار را دارد که در میان اولین کشورهای مسلمان در جهان است که عمل جراحی تغییر جنسیت را قانونی ساخت و افراد تراجنسی را کاملاً در قوانین خود به رسمیت می‌شناسد. برای افراد تراجنسی مرد و زن، این تصریح اهمیت بسیاری دارد تا بتوانند به حقوق بنیادین بشر خود دست یابند.^{۱۲}

با این حال، قوانینی سخت‌گیرانه بر نوع پوشش در ایران حاکم است و فردی که پوشش‌اش اهانت به قانون تلقی شود، ممکن است با مجازات زندان روبرو شود.^{۱۳} مقامات ایرانی گاهی نمی‌توانند افراد تراجنسی را بشناسند و آنها را به خاطر وضع پوشش‌شان، تحت قوانین لواط و دگروپوشی دستگیر می‌کنند.^{۱۴} در این موارد، مقامات ایرانی ممکن است افراد تراجنسی را در معرض طیف وسیعی از آزارها از سخنان تنفرآمیز گرفته تا ضرب و شتم فیزیکی قرار دهند. تجاوز جنسی به زنان تراجنسی، مانند تجاوز به علف، در بازداشت دولتی به طور ویژه‌ای تهدیدبرانگیزتر است مخصوصاً به خاطر اینکه زنان تراجنسی زندانی غالباً در زندان‌ها و اماکنی نگه داشته می‌شوند که برای مردان تعبیه شده است.^{۱۵}

<http://www.hrw.org/reports/2010/12/15/we-are-buried-generation>

^{۱۲} انجمن حمایت از بیماران مبتلا به اختلال هویت جنسی در ایران (<http://gid.org.ir>) یک سازمان غیردولتی در ایران است که برای پیش‌برد حقوق افراد تراجنسی فعالیت می‌کند. این انجمن، توسط جمعی از فعالان تراجنسی و متحدان پزشکی خود در سال ۲۰۰۷ برای مقابله با تبعیض حقوقی، اجتماعی و شغلی علیه افراد تراجنسی، تاسیس شد.

^{۱۳} طبق بند ۶۲۸ از قانون مجازات اسلامی، فردی که عفت عمومی را به خطر بیندازد، از ۱۰ روز تا دو ماه زندانی یا محکوم به ۷۴ ضربه شلاق خواهد شد.

^{۱۴} در ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۱، با توجه به گزارش‌های خیری ایرانی، یک پسر ۱۵ ساله در قم به دلیل پوشیدن چادر (حجاب سنتی سرتاپایی برای زنان) دستگیر شد و برای ارزیابی روانی به ایستگاه پلیس فرستاده شد، نگاه کنید به:

<http://www.fardanews.com/fa/news/162819/%D9%BE%D8%B3%D8%B1-%D8%A8%D9%87-%D8%B3%D8%B1-%D8%AF%D8%B3%D8%AA%DA%AF%DB%8C%D8%B1-%D8%B4%D8%AF>

^{۱۵} سایه، یک تراجنسی مرد به زن در اواخر بیست‌سالگی خود، به سازمان IRQO گفت: «من سه بار بازداشت شدم و به بدترین شکل ممکن مورد بی‌احترامی قرار گرفتم... زمانی که آنها شما را بازداشت می‌کنند، بعضی از آنها می‌خواهند با شما نزدیکی (از نظر جنسی) کنند... آنها ابتدا سعی می‌کنند شما را با خواندن کلماتی مانند احمق، خوک کثیف، کونی، ایدزی و هزاران لفظ دیگر، بترسانند و از نظر روانی شکنجه کنند. آنها سعی می‌کنند شما را تحریک به انجام کارهایی کنند که بعدتر بر اساس رفتارشان، علیه شما شکایت کنند. حتی

پشت ظاهر سیاست‌های صریح دولت در به رسمیت شناختن جنسیت‌ها، فضایی دروغین خلق شده است که از پایه سعی در حفظ مکتب دگرجنسگرایی و تفاوت جنسیتی دارد تا آنکه بخواهد حافظ حقوق افراد از لحاظ تمامیت جسمی و بیان جنسیتی باشد.^{۱۶} تا سال ۲۰۰۸، ایران بعد از تایلد دارای بیشترین تعداد عمل جراحی تغییر جنسیت در دنیا بود.^{۱۷}

افراد تراجنسی باید حق تغییر دادن بدن خود را برای سازگاری با جنسی که آنها تجربه می‌کنند داشته باشند اما همچنین باید قادر باشند از تمامی بدهای یک زندگی کامل سود ببرند، یک زندگی عاری از تبعیض تا اگر انتخاب کردند بدن‌شان را به دست تغییرات ناشی از تغییر جنسیت نسپارند، تحت قانون به رسمیت شناخته شوند.^{۱۸} در حال حاضر، یک شرط لازم در مقابل قانون برای به رسمیت شناختن این افراد، عمل جراحی تغییر جنسیت آنها است. دولت ایران، افراد تراجنسی را از حق انتخاب اختیاری خود سلب می‌کند و ممکن است در اثر اجبار، افراد تراجنسی از یکی از حقوق اساسی بشری یعنی لذت بردن از زندگی خود محروم شوند

توصیه‌ها:

- از تمامی اعمال همجنس‌گرایانه‌ی مورد رضایت طرفین، جرم زادایی شود و با فوریت تمام، همه مقررات مربوط به اعمال همجنس‌گرایانه که مجازاتشان مرگ است لغو شود.
- یک ملاک و معیار واضح قانونی برای تمایز اعمال همجنس‌گرایانه اجباری و اعمال رضایت‌مندانه مشخص شود.
- رفتار مقامات ایرانی در استفاده از زبان نفرت‌انگیز و موهن نسبت به اعمال همجنس‌گرایانه و افراد دگرباش جنسی، پایان یابد.
- برابری کامل حقوقی و اقتصادی زنان، برابری در همه حقوق و امتیازاتی که به مردان تخصیص داده شده است، به منظور تسهیل توانایی زنان لژیون در داشتن یک زندگی کامل و امن، تضمین شود.
- افراد تراجنسی در برابر قانون، صرف نظر از اینکه عمل تغییر جنسیت را انجام داده‌اند یا خیر، به رسمیت شناخته شوند.
- خدمات حقوقی، پزشکی و روانی در همه‌ی سطوح برای افراد تراجنسی ایرانی فراهم شود، مانند دسترسی به هورمون‌درمانی و عمل تغییر جنسیت که باید برابر انتخاب فردی آنها باشد.
- برنامه آموزش جمعی و کمپینی برای ارتقاء آگاهی مردم شکل گیرد تا به خشونت و تبعیض، آن هم بر صرف این اساس که انطباقی واقعی یا فرضی با گرایش یا هویت جنسی تعیین شده برای خود ندارند پایان داده شود.

زمانی که شما هیچ کاری نکردید، آنها شما را به مفاسد (دفتر معاونت اخلاقی و اجتماعی پلیس) می‌برند. آنها شما را برای مدتی نگه می‌دارند. سپس آنها شما را به دادگاه می‌فرستند... و قاضی برای سرنوشت شما تصمیم می‌گیرد... تا زمانی که شما به دادگاه برده شوید، هر افسری شما را مسخره می‌کند. وقتی که آنها با مواردی مثل ما روبرو می‌شوند، انگار که همه افسران به تفریح آمده‌اند. آنها تمام روز با قاتلین و دزدان سروکار دارند و زمانی که با یک مورد "جذاب" برخورد می‌کنند دلشان می‌خواهد با تحقیر ما برای خود سرگرمی ایجاد کنند... همه‌ی این بدبختی‌ها می‌گذرد و آنچه باقی می‌ماند زخم‌هایی است که آنها به شما می‌زنند. این آسیب‌های روحی کم‌کم ما را به انسان‌های غیرنرمال تبدیل می‌کند. من خیلی اوقات بدون هیچ دلیلی شروع به اشک ریختن می‌کنم. کابوس می‌بینم و با جیغ از خواب بیدار می‌شوم.» سایه زندگی خود را با اقدام به خودکشی در جولای ۲۰۰۸ به پایان رساند. متن مصاحبه در سازمان IROO موجود است.^{۱۶} راشا بحرینی، "از انحراف تا غیر نرمالی: گفتمان اداری جنسی در جمهوری اسلامی ایران" (۲۰۰۸) ۵ (۱) مجله حقوق بشر جهان اسلام. همان قبلی، صفحه ۲۰ تا ۲۱.

^{۱۸} سازمان دیده‌بان حقوق بشر، در گزارش ۲۰۱۰ خود درباره وضعیت حقوق دگرباشان جنسی در ایران، «نگرانی جدی خود را درباره افزایش تشویق دولت تحت عمل جراحی تغییر جنسیت قرار گرفتن افرادی که حتی تراجنسی نیستند و کسانی که شاید دلشان نخواهد این عمل را انجام دهند...» اعلام کرد. همراهی و همزمانی ارتقای سطح عمل‌های جراحی تغییر جنسیت در ایران، با این واقعیت که رفتار همجنس‌گرایی یک جرم است، در اثر قانون، یک انگیزه‌ای قوی برای همجنس‌گرایان، دوجنس‌گرایان و افراد تراجنسی که تمایل ندارند زیر تیغ جراحی تغییر جنسیت روند، شده است. نگاه کنید به: "We are a Buried Generation"، صفحه ۸۱. به صورت آنلاین نیز در این لینک موجود است:

حق زندگی

(بند ۶)

بند ششم از این کنوانسیون زندگی کردن را حق همه مردم دنیا می‌داند. طبق همین بند هیچ فردی نباید خودسرانه از زندگی محروم شود و در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده است، چنین مجازاتی باید فقط برای «جدی‌ترین جرائم» اعمال شود. دومین پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با موضوع «لغو مجازات اعدام» معرفی شد.^{۱۹} این کمیته در تفاسیر عمومی خود اعلام کرده است که مجازات اعدام تنها باید در موارد «کاملاً استثنایی» اعمال شود و فقط باید با «تضمین روندی انسانی‌تر از آن» صورت گیرد. روندی که شامل حق دادرسی عادلانه در یک دادگاه مستقل، پیش‌فرض بی‌گناهی و تضمین‌های حداقلی برای دفاع از خود، باشد.^{۲۰} در دوازده ماه گذشته، این کمیته در جمع‌بندی‌های پایانی خود اعلام کرده است که هرگونه اعمال مجازات اعدام باید «در انطباق با ماده ۱۴ کنوانسیون» باشد که به تضمین دسترسی به یک سیستم حقوقی منصفانه و بی‌طرفانه اشاره می‌کند.^{۲۱} این بند به سه کشور در طول سال گذشته برای اینکه قوانین مجازات اعدام را لغو کنند، توصیه شده است.^{۲۲}

قانون مجازات در ایران بیان می‌کند دو مرد که با یکدیگر آمیزش جنسی داشته‌اند یا دو زن که حداقل سه مرتبه با هم آمیزش جنسی داشته‌اند ممکن است به اعدام محکوم شوند.^{۲۳} در حقیقت، برخی از علمای طراز اول دینی که نظرات آنها برای قضاوت در دادگاه‌ها استفاده می‌شود اینگونه استدلال می‌کنند که شکل برگزیده قتل برای کسانی که جرمشان همجنس‌گرایی است زنده سوزاندن آنها یا پرتاب کردن آنها از بالای کوه است.^{۲۴} تصور در نظام حقوقی ایران به اندازه‌ای است که بین یک تعامل جنسی رضایت‌مندانه و تجاوز جنسی تمایز کافی قائل نمی‌شود و در خیلی از پرونده‌های مربوط به لواط ابهام ایجاد کرده است، چون اغلب معلوم نیست که آیا فرد (افراد) تجاوز به عنف کرده یا بر اساس رضایت طرفین رابطه‌ای داشته است.^{۲۵}

^{۱۹} دومین پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ با هدف لغو مجازات اعدام.

^{۲۰} تفسیر عمومی شماره ۰۶: حق حیات (بند ۶): ۱۹۸۲/۰۴/۲۰.

^{۲۱} CCPR/C/ETH/1، ۲۵ جولای ۲۰۱۱، پاراگراف ۱۹.

^{۲۲} همان قبلی؛ CCPR/C/KAZ/C/1، ۲۱ جولای ۲۰۱۱، پاراگراف ۱۲؛ CCPR/C/MNG/C/5، ۲ می ۲۰۱۱، پاراگراف ۶.

^{۲۳} قانون مجازات اسلامی ایران دارای چندین بخش اختصاص داده شده به رابطه جنسی با همجنس همراه دخول و مجازات‌های آن می‌باشد. بندهای ۱۰۸ تا ۱۱۲: تعریف رابطه جنسی بین دو همجنس مرد و مجازات‌هایش، بندهای ۱۱۴ تا ۱۲۶: روش‌های اثبات رابطه جنسی همجنس‌گرایانه در دادگاه، بندهای ۱۲۷ تا ۱۳۴: مقاربت جنسی بین دو زن، بندهای ۱۳۵ تا ۱۳۸: کمک کردن به ایجاد مقاربت جنسی بین دو همجنس و بندهای ۱۳۹ تا ۱۶۴: در تعریف و مجازات برای اتهام غیرقانونی مقاربت جنسی همجنس‌گرایانه.

^{۲۴} برای مثال، آیت‌الله موسوی اردبیلی، یکی از اعضای عالی‌رتبه روحانیون و رئیس وقت قوه قضاییه، در خطبه نماز در دانشگاه تهران در ۱۸ می ۱۹۹۰ اظهار داشت: «برای همجنس‌گراها، مرد یا زن، اسلام شدیدترین مجازات‌ها را داده است... که بر اساس شریعت ثابت شده است این افراد باید توقیف شوند، آنها را باید ایستاده نگه داشت و با شمشیر به دو نیم کرد یا اینکه باید سر و گردنش را از بدن جدا کرد و آنها را از بلندی به پایین انداخت... بعد از اینکه آنها مردند، چوب جمع کرد و آتشی به پا کرد و جایی برای جسد آنها در نظر گرفت، سپس در آتش انداخته شوند. یا اینکه باید به بالای کوه برده و به پایین پرتاب شوند و سپس بقایای جسد را جمع‌آوری کرد و سوزاند یا اینکه باید یک چاله ایجاد کرد، در چاله آتش به پا کرد و زنده زنده آنها را در آن انداخت. ما چنین مجازات‌هایی برای جرائم دیگر نداریم.» (تاکیدات اضافه شده است). رجوع کنید به:

<http://www.unhcr.org/refworld/country,,IRBC,COUNTRYREP,IRN,,3ae6a8170,0.html>

^{۲۵} به نظر می‌رسد مقامات ایرانی، از حساسیت‌های بین‌المللی درباره آزار و اذیت دگرباشان جنسی مطلع هستند و ترجیح می‌دهند بیشتر محکومین همجنس‌گرا به اعدام را به عنوان متجاوز به عنف معرفی کنند. در حالی که سازمان‌های حقوق بشری به طور معمول مجازات‌های اعدام را علنی و رسوا می‌کنند، آنها دولت‌ها را برای پاسخگویی در موارد خشونت جنسی فرامی‌خوانند، بنابراین عملکرد دولت توانایی جامعه بین‌الملل را برای محکوم کردن این موارد با پیچیدگی روبه‌رو می‌کند. شاید بالاترین مشخصات در این زمینه در جولای ۲۰۰۵ روی داد که دو پسر نوجوان به نام‌های محمود عسگری و ایاز مرهونی، در شهر مشهد در ملاعام به دار آویخته شدند. پس از این اتهام که آنها به زور به یک پسر ۱۲ ساله تجاوز کرده بودند. هر دو پسر قبل از اعدام ۲۲۸ ضربه شلاق خوردند. قبل و بعد از اعدام آنها، درباره ماهیت دقیق جرم و جنایت آنها بحث‌هایی وجود داشت. این یک مورد از مواردی است که عدم شفافیت در سیستم قضایی ایران و اشکال در گزارش با دقت درباره اعدام همجنس‌گرایان ایرانی را خاطر نشان می‌کند.

گزارش دولت به کمیته حقوق بشر می‌گوید که ایران مجازات اعدام را تنها برای جدی‌ترین جرائم در نظر می‌گیرد.^{۲۶} قتل در ایران یکی از جرائمی است که با اعدام مجازات می‌شود، اما قانون ایران به یک قاتل محکوم به اعدام این فرصت را می‌دهد که اگر از طرف خانواده قربانی بخشیده شد، مجازات اعدام او با موفقیت تخفیف یابد. بنابراین، با احتساب این مورد در گزارش دولت و با گنجایش ملایمتی که برای سایر اعمال مجرمانه در نظر گرفته شده است، دولت ایران می‌پندارد که اعمال همجنس‌گرایانه باید جدی‌تر از قتل باشند.

یکی از نگران‌کننده‌ترین جنبه‌های نقض حقوق بشر در ایران، خشونت قانونی رسمی در برابر دگرباشان جنسی است که هم توسط عوامل دولتی و هم توسط لباس‌شخصی‌ها اعمال می‌شود. مساله‌ای که اینجا مطرح است توأمانی خشونت همجنس‌گراستیزانه به طور خاص و خشونت دولتی تعمیم یافته است. برای مثال، فردی که مرتکب قتل شده است اگر او بتواند ثابت کند که قربانی، مهدورد الدم (شایسته مرگ) بوده است درخواست حکم تجدید نظر برای کاهش مجازات می‌دهد (حداکثر دو سال).^{۲۷} با توجه به فقه شریعت، مهدورد الدم کسی است که مرتکب یک جرم و جنایت حیاتی شده (و شرعاً مستحق کشته شدن است، یعنی کسی که ریختن خون او مجاز است) که در قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران برای او مجازات مرگ یا سنگسار در نظر گرفته شده است، مانند همجنس‌گرایی.^{۲۸}

با توجه به سیستم دادرسی مبهم، محدودیت‌های شدید بر آزادی مطبوعات و بدنامی اجتماعی همجنس‌گرایی در ایران، دشوار است که بدانیم تا چه حد مجازات اعدام برای همجنس‌گرایی اجرا شده است. رسانه‌های دولتی به صورت دوره‌ای در کنار جرائم، لیستی از اعمال همجنس‌گرایانه قربانیان مجازات اعدام اعلام می‌کنند، اما بررسی اعتبار چنین ادعاهایی، به قطع دشوار است. با این حال، موارد کافی اتفاق افتاده نشان می‌دهد که دولت ایران نه تنها رفتارهای جنسی رضایت‌مندانه بین دو همجنس را جرم می‌داند که بر این اساس مجازات آن را اجرا هم می‌کند.^{۲۹}

توجه شود، در میان کسانی که متهم به اعمال همجنس‌گرایی هستند و بر این اساس اعدام می‌شوند، افراد زیر سن قانونی، مورد این اتهام و حتی مجازات اعدام قرار گرفته‌اند.^{۳۰}

توصیه‌ها:

- مجازات مرگ برای همه اعمال همجنس‌گرایانه باطل شود.
- به اعدام افراد زیر سن قانونی پایان داده شود.
- اعدام کسانی که در زمان ارتکاب جرم، زیر سن قانونی هستند متوقف شود و مجازات‌ها به طور قابل توجهی، مطابق استانداردهای بین‌المللی تخفیف یابد.

^{۲۶} با توجه به گزارش ارائه شده توسط دولت‌های عضو تحت بند ۴۰ میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی، سومین گزارش دوره‌ای کشورهای عضو، ایران، صفحه ۲۷۲. موجود در:

<http://www2.ohchr.org/english/bodies/hrc/hrcs101.htm>

^{۲۷} قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران، بند ۲۹۵-۲

^{۲۸} <http://irbar.ir/law-articles-database/3380/3491>

^{۲۹} به عنوان مثال، در مارس ۲۰۰۵، روزنامه فارسی زبان اعتماد گزارش داد که دو مرد در دادگاه کیفری تهران به مرگ محکوم شدند، پس از اینکه همسر یکی از آنها یک نوار ویدئویی از اعمال همجنس‌گرایانه‌شان پیدا کرد و آنها را به پلیس معرفی کرد. ببینید:

<http://www.hrw.org/en/news/2006/10/08/sweden-stop-deportations-lgbt-iranians>

^{۳۰} مواردی مانند محمود عسگری و ایاز مرهونی (پانویس شماره ۲۷ را ببینید) مثال‌هایی از اعدام‌هایی است که در زمان زیر سن ۱۸ سالگی انجام شده‌اند، وکیل این دو نفر گفت: حداقل یکی از آنها در زمان اعدام، کمتر از ۱۸ سال سن داشت. ببینید:

<http://news.gooya.com/politics/archives/033525.php>

ممنوعیت شکنجه و مجازات‌های بی‌رحمانه، رفتار یا تنبیه غیرانسانی و اهانت‌آمیز؛ حق آزادی و امنیت فردی؛ و رفتار درست با افراد محروم از آزادی

(بند ۷، ۹، ۱۰ و ماده سوم از بند ۱۲)

این کنوانسیون، به خصوص در بندهای ۷، ۹ و ماده یکم از بند ۱۰ خود، حقوق همه افراد را در رهایی از شکنجه، بازداشت‌های خودسرانه و رفتارها و مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و توهین‌آمیز، به رسمیت می‌شناسد. کمیته در تفاسیر عمومی خود در بند ۷ اشاره می‌کند که دولت‌ها باید متعهد شوند که مجریان قانون را با به طور خاص و مثبت، آموزش دهند و می‌بایست کسانی را که ممنوعیت شکنجه را نقض می‌کنند، مسئول بدانند.^{۳۱} زمان و مکان تمام بازجویی‌ها باید ثبت شوند، همراه با نام همه کسانی که در آن محل حاضرند و این اطلاعات باید برای مقاصد قضایی یا اداری در دسترس باشند. هر دادگاهی باید شواهد به دست آمده از جایی که در آن بند ۷ کنوانسیون نقض می‌شود، رد کند.^{۳۲} کمیته با استناد به تفاسیر عمومی خود در بند ۱۰ اعلام کرده است: «باید با تمامی افرادی که از آزادی‌های بشری خود محروم هستند با احترامی شایسته آنان برخورد کرد. این قاعده‌ای است که باید در سرتاسر جهان اجرا شود و باید بدون در نظر گرفتن هر گونه تبعیض در مسائلی مانند نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی، خاستگاه بومی یا اجتماعی، دارایی، تولد یا دیگر موارد به کار گرفته شود.»^{۳۳} کمیته در جمع‌بندی‌های پایانی خود خواستار برچیده شدن اعمالی چون «ممنوع تصویر شدن اجباری»، «بازداشت خودسرانه»^{۳۴}، «شکنجه» و «تبعید»^{۳۵} شده است. این خواسته، دوباره تاکید می‌کند که یک قاضی نباید از شواهد به دست آمده تحت شکنجه استفاده کند^{۳۶} و در مورد مکان‌های بازداشتی که اتهام بدرفتاری زده شده باشد، دولت باید در این مکان‌ها، ساختار مناسبی را برای حصول اطمینان از این موضوع که همه ادعاها قویاً و به طور شفاف مورد بررسی قرار گیرند، اجرایی کند.^{۳۷}

در ایران مردانی که همجنس‌گرا فرض می‌شوند، به طور مداوم و خودسرانه بازداشت می‌شوند.^{۳۸} در بازداشتگاه‌های دولتی، شکنجه یک امر عادی است و مکرراً «اعترافات» به دست آمده زیر شکنجه شواهدی برای محکومیت متهم‌ها می‌شوند. محکومیت این مردان غالباً بر اساس فرض و گمان دیگران است نه بر اساس شواهدی معتبر.

بازداشت خودسرانه

زنان تراجنسی و مردان که دیگران فرض می‌کنند آنها همجنس‌گرا هستند، هنگام معاشرت در مکان‌هایی که زنان تراجنسی و مردان دیگر حضور دارند بازداشت می‌شوند. آنها هنگام قدم زدن در خیابان بازداشت می‌شوند. آنها در خانه‌های خود با یک ضربه به در خانه، بازداشت می‌شوند. مردان کمی هستند که واقعاً به خاطر تخلفشان دستگیر شوند. اگرچه بند ۳۲ از قانون اساسی جمهوری

^{۳۱} تفسیر عمومی شماره ۲۰؛ جایگزینی تفسیر عمومی ۷ مربوط به منع شکنجه و رفتار بی‌رحمانه و یا مجازات (بند ۷) : ۱۹۹۲/۰۴/۱۰.

^{۳۲} همان قبلی پاراگراف ۱۱ و ۱۲

^{۳۳} تفسیر عمومی شماره ۲۱؛ جایگزینی تفسیر عمومی ۹ در مورد رفتار انسانی با افراد محروم از آزادی (بند ۱۰) : ۱۹۹۲/۰۴/۱۰ پاراگراف

چهارم

^{۳۴} CCPR /C/TGO/CO/4، ۱۸ آوریل ۲۰۱۱، پاراگراف ۱۷

^{۳۵} CCPR/C/ETH/CO/1، ۲۵ جولای ۲۰۱۱، پاراگراف ۱۶

^{۳۶} CCPR/C/KAZ/CO/1، ۲۱ جولای ۲۰۱۱، پاراگراف ۲۲

^{۳۷} CCPR/C/KAZ/CO/1، ۲۱ جولای ۲۰۱۱، پاراگراف ۱۴؛ CCPR/C/BGR/CO/3، ۲۵ جولای ۲۰۱۱، پاراگراف ۸

^{۳۸} مستندات کمی از بازداشت افراد تراجنسی و لزبین‌ها وجود دارد، اما هیچ دلیلی وجود ندارد که ثابت کند این عمل انجام نمی‌شود. توأمانی پدرسالاری و ننگ و بی‌آبرویی منحصرأ برای لزبین‌ها و افراد تراجنسی کار را سخت می‌کند که بتوانند نقض حقوق بشر صورت گرفته روی خود را گزارش دهند.

اسلامی ایران، دستگیری‌های خودسرانه را ممنوع کرده است، ولی در عمل این کار مکرراً صورت می‌گیرد.^{۳۹}

چه در انظار عمومی و چه در موقعیت‌های خصوصی، این زنان تراجنسی و مردان به دلیل آنچه که فرض می‌شوند هستند و آنچه را که تصور می‌شود انجام داده‌اند و سپس به دلیل شواهد خلاف واقع، به طور چشم‌گیری در خطر دستگیری‌های خودسرانه هستند.^{۴۰}

شکنجه

با توجه به قانون مجازات، برای محکومیت به عنوان لواط، باید شواهدی وجود داشته باشد.^{۴۱} قانون واضح است: چهار مرد عادل که عمل همجنس‌گرایانه را دیده باشند باید به این حقیقت شهادت دهند یا اینکه متهم خود در دادگاه، چهار بار به این موضوع اعتراف کند.^{۴۲} با این حال، در عمل، دولت ایران یک پندار معیوب را درباره چگونگی اقناع و اثبات این موضوع بسط داده است.

مرسوم‌ترین سناریو برای مردانی که مظنون به همجنس‌گرایی هستند این است که دولت یا عواملی مانند بسیجی‌ها (شبه‌نظامیان) که از حمایت ضمنی دولت برخوردار هستند، ممکن است برای تحقیر متهم او را شکنجه کنند و او را آزار دهند تا به طور قابل توجهی، صرف نظر از درستی موضوع، از او اعتراف بکشند.^{۴۳} به عنوان مثال «بابک» در سال ۲۰۰۸ در شهر نجف‌آباد در استان اصفهان، به اتهام همجنس‌گرایی و تجاوز جنسی دستگیر شد.^{۴۴} در دو ماهی که او در زندان بود، ماموران زندان با پوشیدن لباس شخصی، او را بارها و بارها مورد تجاوز قرار دادند. اگرچه او علیه اتهامات وارده بی‌گناه بود، بابک در هم شکسته شده بود و در نهایت مجبور شد که مسئولیت اعمالی را که مرتکب نشده بود قبول کند.^{۴۵} زنان تراجنسی که در بازداشت به سر می‌برند و در مکان‌هایی که برای مردان در نظر گرفته شده است حبس می‌شوند، احتمالاً در این مکان‌ها مورد خشونت و ارباب دیگران قرار می‌گیرند و احتمالاً به شکل مرسوم در این مکان‌ها مورد خشونت جنسی دیگران نیز واقع می‌شوند.

دومین راهی که دولت ایران برای به دست آوردن شواهد مورد نیاز به آن متوسل می‌شود، در این گونه موارد، آزمایش اجباری مقعد است.^{۴۶} این آزمایش بر این باور نادرست استوار است که همجنس‌گرایی به معنای واقعی کلمه می‌تواند از طریق تغییر شکل مقعد و یا از طریق ضایعاتی که به دلیل دخول چیزی در مقعد به وجود آمده است، شناسایی شود. اگرچه کارشناسان بین‌المللی این عمل را به عنوان یک علم نادرست و یک روش شکنجه از اعتبار ساقط کرده‌اند، مقامات ایرانی استفاده از این

^{۳۹} قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بند ۲۲: «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر نمود مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتیباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات گردد.»
^{۴۰} برای مثال، در ۱۶ اگوست ۲۰۰۱ در روهن، در حومه تهران، دو بسیجی (مامور شبه‌نظامی) شخصی به نام «عباس» را به اتهام همجنس‌گرایی بازداشت کردند، در حالی که او مشغول قدم زدن عادی در خیابان بوده است. آنها او را به خانه‌اش بردند و مورد ضرب و شتم قرار دادند و تهدید کردند که به او تجاوز می‌کنند. بسیجی‌ها در خانه او جواهراتی را پیدا کردند عباس ادعا می‌کرد برای همسر سابقش است، عباس بازگو می‌کند: «آنها سر من فریاد کشیدند که یک مرد با موی بلند چگونه می‌تواند زن داشته باشد؟!» عباس در نهایت به پلیس محلی برده شد جایی که رسماً متهم به همجنس‌گرایی گشت. در یک روند غیرمعمول، عباس سرانجام تبرئه و آزاد شد.

^{۴۱} قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران، بندهای ۱۱۴ تا ۱۲۶، ۱۲۰ و ۱۲۸
^{۴۲} راه دیگری که برای تحت پیگرد قانونی قرار دادن لواط استفاده می‌شود این است که بنا به صلاحدید قاضی، متهم در دسته‌بندی مبهم تجاوز یا سوءاستفاده قرار می‌گیرد.

^{۴۳} سازمان عفو بین‌الملل در گزارش سالانه خود در سال ۲۰۱۱، می‌نویسد که افراد در ایران مکرراً «تحت اعتراف‌گیری با زور و شکنجه در مدت زمان بازداشت و در غیاب وکیل قانونی خود قرار می‌گیرند و محاکمه می‌شوند.» ببینید:

<http://www.amnesty.org/en/region/iran/report-2011> (نشرست ۲۰۱۱/۰۲/۱۰)

^{۴۴} مصاحبه با نویسنده‌ها موجود است. ۱۶ دسامبر ۲۰۰۹.

^{۴۵} بابک، توسط این حوادث دچار آسیب‌های فیزیکی دائمی شد. وی با فرار وثیقه از زندان آزاد شد و بلافاصله به مدت یک ماه در بیمارستان بستری گردید. او پس از آن فرار کرد و در حال حاضر یک پناهجوست.

^{۴۶} "We are a Buried Generation".

صفحه ۲۶. به صورت آنلاین در این آدرس موجود است:

روش را ادامه می‌دهند تا علیه مردان پرونده‌هایی تحت لوای بسازند و آنها را در این فرآیند شکنجه کنند.^{۴۷}

توصیه‌ها:

- اعمال دستگیری‌های خودسرانه ال‌جی‌بی‌تی‌ها توسط مقامات ایرانی و نیروهای شبه‌دولتی مانند بسیجی‌ها، باید متوقف شود.
- اعمال شکنجه روی ال‌جی‌بی‌تی‌ها توسط نیروهای فوق‌الذکر در طول زمان بازداشت، پایان یابد.
- اطمینان حاصل شود که افراد تراجنسی تحت بازداشت در اماکنی نگه داشته شوند که از نظر جنسی احساس امنیت کنند و اقدامات احتیاطی برای حفاظت آنها از تجاوز جنسی فراهم باشد.
- به تعقیب افراد به دلیل اعمال همجنس‌گرایانه، آن هم بر اساس شواهد ناکافی پایان داده شود؛ به ویژه از پذیرش اظهارات و اعترافات به دست آمده از طریق شکنجه به عنوان مدرک در دادگاه‌های قانونی ایران، به طور قاطع خودداری شود.
- تضمین شود در مواردی که افراد، به اعمال فوق‌الذکر متهم هستند و زیر سن قانونی می‌باشند بر اساس استانداردهای مختلف رفتاری در بندهای میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و دیگر موارد، از جمله کنوانسیون حقوق کودک، زندانی و با آنها رفتار شود.

حق برخورداری از یک محاکمه عادلانه

(بند ۹ و ۱۴)

بند ۱۴ از این کنوانسیون، برابری در مقابل قانون را که باید برای هر فرد یک دادرسی منصفانه و علنی توسط یک دادگاه مستقل تحت نظارت قانون شکل بگیرد، تضمین می‌کند. کمیته در جزئیات تفاسیر عمومی خود، هم حقوق افراد را در طول فرآیند دادرسی و هم تعهداتی را که دولت باید به متهم بدهد، مشخص کرده است.^{۴۸} به طور خاص، کمیته روی بند ۱۴ تأکید کرده است که نه تنها به تعیین اتهامات جنایی می‌پردازد که روشی را بر اساس حقوق و وظایف مشخص می‌کند. یک فرد تنها باید بر اساس گناهانش که بدون هیچ شکمی ثابت شده است، محکوم شود و متهم باید بدون محدودیت و نفوذ و دخالت ناروا، دسترسی به وکیل داشته باشد. کمیته حقوق بشر مجدداً در جمع‌بندی‌های پایانی خود تأکید کرد که افراد در طول محاکمه‌شان باید از امنیت تضمین شده در بند ۱۴ بهره‌مند شوند.^{۴۹}

اگرچه جرم دانستن رابطه جنسی رضایت‌مندان بین دو همجنس، به خودی‌خود نقض هنجارهای بین‌المللی حقوق بشر و استانداردهای آن می‌شود شامل مواردی که توسط این کمیته در پرونده تاریخ‌ساز تونن در مقابل استرالیا تعریف شده است؛ استانداردهای عملی شدن این فرآیند برای همه مردم از جمله کسانی که متهم به عمل همجنس‌گرایانه در یک دولت با قوانین لواط، شده‌اند، باید

^{۴۷} برای مثال، در مارس ۲۰۰۷ در شهر اصفهان، نیروهای امنیتی به یک مهمانی خانگی یورش بردند و ۷۸ نفر را دستگیر کردند. پلیس‌ها آنها را با ضرب‌وشتم و حشویه دستگیر و به ماشین‌های ون منتقل کردند و وقتی که بازداشت‌گاه رسیدند دوباره آنها را مورد ضرب و شتم قرار دادند. پلیس برای اینکه بتواند اتهام لواط را ثابت کند، برخی از بازداشت‌شدگان را به اداره پزشکی قانونی برای انجام معاینات فرستاد. مصاحبه‌ها در سازمان‌های IGLHRC و IRQO موجود است.

^{۴۸} تفسیر عمومی شماره ۱۲: برابری در مقابل دادگاه‌ها و حق دادرسی منصفانه و علنی توسط دادگاه مستقل تحت نظارت قانون. (بند ۱۴): ۱۹۸۴/۰۴/۱۳.

^{۴۹} CCPR/C/ETH/1، ۲۵ جولای ۲۰۱۱، پاراگراف ۲۲؛ CCPR/C/KAZ/CO/1، ۲۱ جولای ۲۰۱۱، پاراگراف ۲۲.

مورد احترام قرار گیرد.^{۵۰} با این حال، دولت ایران وقیحانه، حقوق کسانی را که متهم به لواط هستند با عدم اِعمال روند دادرسی آنها طبق استانداردهای بین‌المللی نقض می‌کند.

طبق قانون مجازات ایران، شواهد اعمال جنسی بین دو مرد یا دو زن تنها در صورتی قابل قبول است که: (۱) چهار شاهد مرد قابل اعتماد حاضر به شهادت علیه عمل آنها در محضر یک قاضی در دادگاه باشند.^{۵۱} (۲) هر کدام از طرفین متهم - تحت اراده آزاد و سلامت کامل عقلانی - چهار مرتبه به اتهام خود اعتراف کنند.^{۵۲}

هنوز هستند افرادی که بر اساس اعترافات پیش از محاکمه^{۵۳}، تکذیب شهادت‌نامه^{۵۴}، جمع‌آوری اعترافات با استفاده از شکنجه^{۵۵}، شهادت کمتر از چهار شاهد^{۵۶} و گاهی اوقات بدون هیچ گونه شهادتی یا اعترافی^{۵۷}، به جرم لواط محکوم شده‌اند. برخی متهمین به لواط بدون تفهیم اتهام عنوان شده علیه آنها، محاکمه می‌شوند.^{۵۸} بعضی‌ها بدون دسترسی به وکیل محاکمه می‌شوند.^{۵۹} گزارش‌هایی وجود دارند که برای بی اعتبار کردن مدافعان حقوق بشر آنها را به لواط متهم کرده‌اند.^{۶۰} وکلای متهمان لواط گزارش کرده‌اند که به مَوکل خود دسترسی محدود دارند.^{۶۱} خبرنگاران، وکلا یا اعضای خانواده‌ای که جرات به سخن گفتن درباره این موارد یا به چالش کشیدن حکم دادگاه می‌کنند، با آزار و اذیت و حتی شکنجه توسط دولت روبرو می‌شوند.^{۶۲} در این موارد، قضات اغلب بر روی «علم

^{۵۰} Toonen v. Australia، CCPR/C/50/D/488/1992، کمیته حقوق بشر سازمان ملل (HRC)، ۴ آوریل ۱۹۹۴، رجوع کنید به: <http://www.unhcr.org/refworld/docid/48298b8d2.html> (۲۸ سپتامبر ۲۰۱۱ در دسترس گذاشته شده است)

^{۵۱} قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران، بند ۱۱۷. در صورتی که قبل از دادگاه کمتر از ۴ شاهد شهادت بدهند و شهادت آنها قبول می‌شود و اگر اتهامات جنسی ناروا (قذف) زده باشند، متهم و مجازات خواهند شد. (بند ۱۱۸) زنان نمی‌توانند در مورد روابط همجنس‌گرایانه، شهادت دهند. (بند ۱۱۹)

^{۵۲} قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران، بند ۱۱۴. اعتراف در صورتی نافذ است که اقرارکننده در حین اقرار، عاقل، بالغ، قاصد و مختار باشد. اقراری که تحت اکراه، اجبار، شکنجه و یا اذیت و آزار روحی یا جسمی اخذ شود، فاقد ارزش و اعتبار است. (بند ۱۱۶) اقرار در حین تحقیقات قابل قبول نیست و اگر اقرار کمتر از ۴ بار انجام شود، شهادت نمی‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. (بند ۱۱۵)

^{۵۳} بند ۱۱۴ قانون مجازات به طور واضح بیان می‌کند که: «اقرار به لواط باید ۴ مرتبه در مقابل قاضی شرع انجام شود.» در این صورت اثبات می‌شود، هرچند اعتراف‌های پیش از محاکمه نیز به عنوان مدرک کافی پذیرفته می‌شوند. مکوان مولودزاده بر اساس اعترافات پیش از محاکمه که هرگز آن اعترافات را در دادگاه انجام نداده بود، به حکم اعدام محکوم شد. صفحه ۲۹ از "Iran: We are a Buried Generation"، کتاب سازمان دیده‌بان حقوق بشر. منتشر شده در: <http://www.hrw.org/node/94978>، تاریخ ۲۰۱۱/۰۹/۲۹

^{۵۴} پانویس قبلی
^{۵۵} متین به دادستان گفت که اعترافات اولیه خود را تحت شکنجه اقرار کرده است. صفحات ۷۱ و ۷۲ از "Iran: We are a Buried Generation"، کتاب سازمان دیده‌بان حقوق بشر. منتشر شده در: <http://www.hrw.org/node/94978>، تاریخ ۲۰۱۱/۰۹/۲۹

^{۵۶} محسن ج از شیراز و نعمت صفوی هر دو بدون بدون چهار شاهد عینی که لازم است، محاکمه شدند. صفحه ۲۰ از "Iran: We are a Buried Generation, Discrimination and Violence Against Sexual Minorities in Iran"، کتاب سازمان دیده‌بان حقوق بشر. منتشر شده در: <http://www.hrw.org/node/94978>، تاریخ ۲۰۱۱/۰۹/۲۹

^{۵۷} پانویس قبلی
^{۵۸} دکتر کیان، وکیل مدافع ایرانی، به سازمان IGLHRC گفت که تعدادی از موکلین متهم به لواط خود را که در حین دادرسی دسترسی به وکیل نداشتند، رایگان وکالت آنها را پذیرفته بود و در بعضی موارد، دیده بوده است که وکیل اختصاص داده شده به متهم، هیچ تمایلی به دفاع از رابطه همجنس‌گرایانه دو فرد ندارد و در نتیجه نمایندگی ضعیفی از متهمان صورت گرفته بود. متن مصاحبه در IGLHRC موجود است.

^{۵۹} پانویس قبلی
^{۶۰} برای مثال در سپتامبر ۲۰۱۱، خبرگزاری دانشجویان ایران که یک خبرگزاری نیمه‌رسمی است، گزارش کرد که سه مرد که تنها با حروف اول اسم خود معرفی شدند با عنوان‌های مرت، ت، ت و م، در شهر اهواز به دلیل ارتکاب به عمل لواط اعدام شده بودند. علی‌رغم پرس‌و‌جوی دو سازمان IGLHRC و IRQO، ما نتوانستیم این ادعا را تأیید کنیم که آیا آنها بر اساس رابطه همجنس‌گرایانه مرضی‌الطرفین اعدام شدند یا بنا به برخی ادعاها، فعالین سیاسی‌ای بودند که متهم به لواط شدند تا آنها را از درجه اعتبار ساقط و محکوم به مرگ نمایند. اینجا را ببینید:

<http://isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-1839696>.

^{۶۱} پانویس قبلی
^{۶۲} وکلا، اعضای خانواده و روزنامه‌نگارانی که حمایت خود را به عنوان نماینده‌ی شخص که زندانی شده اعلام کردند و به دلیل حمایت از اعمال همجنس‌گرایانه محاکمه شدند به IGLHRC و IRQO گزارش داده‌اند که آنها نتوانستند به صورت آشکارا به دلیل ترس از استراق سمع از طرف دولت و نیروهای امنیتی ایران در این موارد بحث کنند. سرنوشت میترا خلعتبری، روزنامه‌نگار روزنامه اعتماد کسی که پوشش گسترده‌ی مورد آقای مولودزاده (پانویس شماره ۶۶) انجام داد و توجه جامعه بین‌الملل را به خود جلب کرد، نشان می‌دهد که چطور دولت ایران کسانی را که همجنس‌گراستیزی تحت حمایت دولت را افشا می‌کنند، مورد هدف قرار می‌دهند. خانم خلعتبری توسط نیروهای امنیتی ایران تحت فشار قرار گرفت. حرفه‌ی خود را از دست داد و از دانشگاهی که در آن تحصیل می‌کرد اخراج شد. تحت این فشار مداوم، او مجبور شد ایران را ترک کند و به آلمان پناهنده شود. متن مصاحبه در IGLHRC موجود است.

قاضی»^{۶۳} تکیه می‌کنند تا برای تعیین گناه متهم مطابق قانون تصمیم‌گیری کنند، علم قاضی باید بر اساس حقایق و شواهد باشد نه در جایگزینی حقایق.^{۶۴}

توصیه‌ها:

- به بازداشت‌های خودسرانه‌ی ال‌جی‌بی‌تی‌ها توسط مقامات دولتی و گروه‌های شبه نظامی مانند بسیج پایان داده شود و فوراً همه کسانی که غیرقانونی زندانی شده‌اند آزاد شوند.
- تضمین شود که همه مردم بدون در نظرگرفتن گرایش جنسی، هویت جنسی یا فرضا اعمال همجنس‌گرایانه، تحت یک فرایند دادرسی درست، نامتناقض با تعهدهای قانون ساسی و بندهای میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی حمایت می‌شوند.
- این اطمینان حاصل شود که افراد متهم به اعمال همجنس‌گرایانه وکیل قانونی دارند. اطمینان حاصل شود که ارتباط بین متهم و وکیلش به طور منظم و تعریف شده است و اطمینان حاصل شود که متهم دسترسی به وکیل مدافعی که دگرپاش‌ستیز نیست، دارد.
- به تعقیب افراد به دلیل اعمال همجنس‌گرایانه، آن هم بر اساس شواهد ناکافی پایان داده شود؛ به ویژه از پذیرش اظهارات و اعترافات به دست آمده از طریق شکنجه به عنوان مدرک در دادگاه‌های قانونی ایران، به طور قاطع خودداری شود.
- این تضمین داده شود متهمانی که در هنگام وقوع جرم، زیر سن قانونی هستند بر اساس استانداردهای مختلف رفتاری در بندهای میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و دیگر موارد، از جمله کنوانسیون حقوق کودک، زندانی و با آنها رفتار شود.
- تضمین شود که نام و هویت کسانی که متهم به ارتکاب جرم اعمال همجنس‌گرایانه می‌شوند محرمانه بماند.
- تضمین کنید که روزنامه‌نگاران و سازمان‌های فعال حقوق بشری مستقل، بتوانند بر روند محاکمه و رفتار با متهمین لواط، با رعایت محرمانگی آنها، بتوانند یافته‌های خود را علناً گزارش کنند.

آزادی عقیده و بیان

(بند ۱۹)

بند ۱۹ از این کنوانسیون، حق آزادی بیان و عقیده را به رسمیت می‌شناسد. کمیته در بیشتر تفاسیر عمومی خود که اخیراً منتشر شده‌اند، اظهار داشت که هر دوی این ایده‌ها «سنگ‌بنای

^{۶۳} طبق بند ۱۲۰ قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران، قاضی می‌تواند بر اساس «دریافت خود» (علم قاضی) رابطه همجنس‌گرایانه را محکوم کند که این علم به روش‌های سنتی در طول سالیان سال به دست آمده است.
^{۶۴} مکوان مولودزاده به جرم چندین فقره ارتکاب به تجاوز به عنف مقعدی (ایقاب) که در زمان وقوع جرم گفته می‌شود تنها ۱۳ سال داشته شناخته شد. اگرچه تمام طرف‌های درگیر در این مورد، از جمله شاکی و شاهدان، گفته بودند که اظهاراتش در طول تحقیقات، تحت دروغ و فشار اخذ شده است، قاضی «علم و دانش خود» را اصل قرار داد و مکوان را محکوم کرد. علیرغم فشارهای بین‌المللی مکوان در تاریخ ۵ دسامبر ۲۰۰۷ اعدام شد، رجوع کنید به :

<http://www.iglhr.org/cgi-bin/iowa/article/pressroom/pressrelease/330.html>

هر جامعه آزاد و دموکراتیک است.^{۶۵} تمام قوانین داخلی باید آزادی بیان را رعایت کنند و رسانه‌های درون دولت باید بدون سانسور یا محدودیت کار خود را انجام دهند. آزادی عقیده در همه لایه‌های جامعه از جمله «گفتمان سیاسی»، «بحث حقوق بشر» و «روزنامه‌نگاری» عمومیت دارد. در دوازده ماه گذشته، کمیته‌ی حقوق بشر نگرانی شدید خود را از رفتار دولت مانند مسدود کردن وبسایت‌های اینترنتی و همچنین آزار و اذیت کلامی و فیزیکی روزنامه‌نگاران مدافعین حقوق بشر اعلام کرده است.^{۶۶}

مقامات ایرانی برای جلوگیری از هرگونه اشاره به همجنس‌گرایی، نظارت گسترده و شیوه‌های سانسوری ایجاد کرده‌اند که ممکن است در تضاد با (سیاست اتخاذشده) همجنس‌گراهراسی رسمی که توسط دولت اشاعه داد می‌شود، باشد. به عنوان مثال، در آگوست ۲۰۰۷، هیات نظارت بر مطبوعات (Advisory Board Press or PAB) یک روزنامه اصلاح‌طلب ایرانی را به دلیل مصاحبه با ساقی قهرمان، شاعر ایرانی با اقامت کانادایی که در دفاع از حقوق دگرباشان جنسی چهره‌ای مطرح است، توقیف کرد. اگرچه مصاحبه به خودی خود هیچ اشاره‌ای به حقوق دگرباشان جنسی نداشت، با این وجود هیات نظارت بر مطبوعات تصمیم گرفتند که شرح و گزارش روزنامه را به ترویج همجنس‌گرایی ربط دهند.^{۶۷}

با توجه به بند ۹ از قانون مطبوعات ایران، ناشران تنها می‌توانند کتاب‌هایی را چاپ کنند که فساد اخلاقی نداشته باشند و از قانونی اساسی پیروی کنند.^{۶۸} بنابراین، هیچ ناشری مجوز انتشار موضوع خاص دگرباشان جنسی را ندارد. در سپتامبر سال ۲۰۱۱، معاون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان دولتی مسئول سانسور، آشکارا تایید کرد که کتاب‌هایی که به بحث درباره گرایش جنسی افراد فرهنگی مشهور در ایران اشاره کنند، پیش از انتشار سانسور خواهند شد.^{۶۹} در همین راستا، مجریان قانون کمپینی را برای سرکوب هر مورد تجاری‌ای که نماد «فروپاشی فرهنگی» است مانند «نمادهای همجنس‌گرایی» برپا کرده‌اند؛ آنها این کار را برای آنچه که به نظرشان باعث افزایش امنیت اجتماعی می‌شود، انجام می‌دهند.^{۷۰}

در سال‌های اخیر، دولت ایران مبارزات ضد همجنس‌گرایانه خود را در فضای مجازی علیه وبسایت‌ها و وبلاگ‌های دگرباشان جنسی شروع کرده است. مقامات مخابرات ایران به طور منظم از دسترسی ایرانیان به وبسایت‌های فارسی دگرباشان جنسی که از خارج از کشور مدیریت می‌شوند جلوگیری می‌کنند که منجر به جلوگیری از دسترسی به اطلاعات می‌شود.^{۷۱} از

^{۶۵} CCPR/C/GC/34، ۲۱ جولای ۲۰۱۱

^{۶۶} CCPR/C/KAZ/CO/1، ۲۱ جولای ۲۰۱۱، پاراگراف ۲۵؛ CCPR/C/ETH/1، ۲۵ جولای ۲۰۱۱ پاراگراف ۲۴.

^{۶۷} نشر مصاحبه‌ای با یک همجنس‌گرا، روزنامه شرق را بست، حیات‌نیوز، ۶ آگوست ۲۰۰۷.

http://www.hayat.ir/?lang=fa&page=showbody_news&key=&row_id=8923&style=no

^{۶۸} قانون مطبوعات ۱۳۶۴ (تصویب در سال ۱۹۸۶ و اصلاح در سال ۲۰۰۰)، بند ۹

^{۶۹} مثال‌های معاون وزیر از کتاب‌هایی که ممیزی می‌شوند " ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۱، آفتاب‌نیوز،

<http://aftabnews.ir/vdcbssb8zrhbfpp.uuur.html>

^{۷۰} «جمع‌آوری لوازم تحریر منقوش به تصاویر نامتعارف در هرمزگان» ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۱، خبرگزاری فارس‌نیوز،

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13900703001219>

^{۷۱} برای مثال، دسترسی به سایت IRQO و سایت منجم (manjam.com - یک وبسایت محبوب برای دوستیابی بین همجنس‌گراها) و بسیاری از وبلاگ‌های متعلق به همجنس‌گرایان ایرانی خارج از کشور توسط شرکت مخابرات ایران مسدود شده است. هنگامی که یک فرد تلاش می‌کند به یکی از این وبسایت‌ها برود، او این پیام را مشاهده می‌کند: «پیوستن به این وبسایت‌ها جرم است و مجازات جدی به همراه خواهد داشت.»

سال ۲۰۰۹، بسیاری از وبلاگ‌های دگرباشان جنسی که از شرکت‌های ایرانی هاست می‌خریدند بسته شده‌اند. قبل از بسته شدن، این وبلاگ‌ها هشدارهایی را دریافت می‌کردند: «این وبلاگ مطابق فرمان کارگروه رسمی مسئول به دلیل محتوای نامناسب تعطیل شده است.»^{۷۲}

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حتی سازمان آنلاینی را تحت اسم سازمان جرائم سایبری^{۷۳} برای مقابله با آنچه که آنها جرائم اینترنتی می‌خوانند، با استفاده از روش‌هایی مانند هک کردن وبسایت‌ها، شنود، نظارت بر ارتباطات آنلاین و حتی انتشار تبلیغات آنلاین تاسیس کرده است.^{۷۴} در وبسایت رسمی آنها (www.gerdab.ir)، به طور منظم مقالاتی علیه همجنس‌گرایی گذاشته می‌شود و کسانی را که «مقررات کشور را نقض کنند و درباره همجنس‌گرایی مطلب بگذارند» تهدید می‌کند. چنین آزار و اذیت از پیش برنامه‌ریزی شده‌ای توسط مقامات رسمی، نگرانی جدی برای آزادی بیان و عقیده و همچنین دسترسی دگرباشان جنسی ایرانی به اطلاعات به وجود می‌آورد.^{۷۵}

توصیه‌ها:

- دولت ایران باید همه قوانین و مقرراتی را که آزادی بیان و عقیده را سانسور و دسترسی ایرانیان از جمله دگرباشان جنسی را به اطلاعات محدود می‌کنند، لغو کند.
- نهادهای دولتی مانند وزارت فرهنگ و ارشاد و سپاه پاسداران، نباید اطلاعات مربوط به دگرباشان جنسی را از طریق سانسور، تله گذاشتن، دستگیری، تهدید و آزار و اذیت سرکوب کنند.

تشکیل آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز

(بند ۲۱، ۲۲)

بند ۲۱ و ۲۲ از این کنوانسیون، حق تشکیل آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز را فراهم می‌کند. اگرچه کمیته، تفاسیر عمومی‌اش درباره این موضوعات را هنوز منتشر نکرده، اما در آن از جمع‌بندی‌های پایانی خود برای تاکید بر اهمیت بند ۲۱ و ۲۲ استفاده کرده است. به طور خاص، کمیته قوانینی که نیازمند ضمانت اجرایی دولتی برای تجمعاتی است^{۷۶} که مردم را مجبور می‌سازد که در

^{۷۲} برای مثال این آدرس را مشاهده کنید:

<http://ma2tarafaha.blogfa.com>

^{۷۳} شما می‌توانید بیانی‌های رسمی سازمان جرائم اینترنتی را بر روی وبسایت رسمی آنها در این آدرس مشاهده کنید: <http://www.gerdab.ir/>

^{۷۴} آقای سلوکی، از سازمان مبارزه با جرائم اینترنتی وابسته به سپاه پاسداران به خبرگزاری رسمی ایرانا گفت بود: "اشخاص، گروه‌ها و کشورهای مختلف نباید این تصور را داشته باشند که فضای مجازی و اینترنتی کشور بدون کنترل است تا بخواهند هر عملیات فرهنگی علیه فرهنگ و نظام مقدس جمهوری اسلامی را بر مرحله اجرا گذارند و برای کاربران محیط نا امنی را ایجاد کنند." همچنین ببینید: "سپاه پاسداران به تمام براندازان در جنگ نرم علیه نظام جمهوری اسلامی، هشدار می‌دهد که این نیرو با تمام توان و قاطعیت به وظیفه خود عمل خواهد کرد." ۲۱ آوریل ۲۰۰۹: <http://hamshahrionline.ir/print-78583.aspx>

^{۷۵} اخیراً، یکی از وبلاگ‌نویس‌های ال‌جی‌بی‌تی برجسته به IRQO گزارش داده است که تهدیدهایی از گرداب، بازوی تحقیقاتی سازمان مبارزه با جرائم اینترنتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دریافت کرده است. یکی از این پیام‌ها می‌گوید: «ارتش سایبری ایران برای شناسایی و از بین بردن گروه‌های اجتماعی فاسد و خرابکار آماده است. هر کسی که برای این وبلاگ کار می‌کند شناسایی شده است. ارتش سایبری جمهوری اسلامی ایران همه کسانی که در وبلاگ‌ها و وبسایت‌ها مطالب غیراخلاقی می‌گذارند شناسایی کرده است. آنها از شهرهای کرمان و تهران از ایران و تورنتو و اونتاریو از کانادا هستند.» اطلاعات در سازمان IRQO موجود هستند. ^{۷۶} CCPR/C/JOR/C/4، ۱۸ نوامبر ۲۰۱۱، پاراگراف ۱۵

مناطق دور از دسترس تجمع کنند^{۷۷} یا اینکه آنقدر پذیرش درخواست تجمعات را طولانی می‌کنند که بی‌اثر شود^{۷۸}، مورد انتقاد قرار داده است.

می‌توان پلیس ایران را به عنوان بخشی از سرکوب‌ها بر گروه‌های دگرباشان جنسی، مثال زد که در رابطه با حوادث اجتماعی و گروه‌های دگرباش جنسی فعال است. حتی ملاقات‌ها در جمع‌های خودمانی و خصوصی هم برای دگرباشان ایرانی به طور فزاینده‌ای دشوار شده است. اعضای جامعه اقلیت‌های جنسی به طرز ناراحت‌کننده‌ای از عواقب حضورشان در محل‌هایی که به آنها حمله می‌شود، آگاه هستند. اقدامات گذشته پلیس شامل ضرب‌و‌شتم، بازداشت‌های دست‌جمعی، جریمه و حتی زندان می‌شود.^{۷۹}

در سال‌های اخیر، بیشتر دگرباشان جنسی ایرانی که از چتروم‌های اینترنتی و سایت‌های دوست‌یابی آنلاین به عنوان یک ابزار اجتماعی استفاده کرده‌اند، به طور فزاینده‌ای خود را قربانی جاسوسی و نظارت دولتی احساس می‌کنند.^{۸۰}

توصیه‌ها:

- پلیس ایران می‌بایست حملات خود به گروه‌ها و گردهمایی‌های اجتماعی دگرباشان جنسی را پایان دهد.
- مقامات ایرانی می‌بایست برای گروه‌ها و دگرباشان جنسی حق تشکیل آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز را برابر با بقیه مردم که از آن بهره‌مند هستند به رسمیت بشناسند و در جایی که سطح قانون داخلی و اجرای آن، پایین‌تر از حقوقی است که میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در نظر دارد باید استانداردهای بالاتر از این میثاق غالب شود.

^{۷۷} CCPR/C/KAZ/C/1، ۲۱ جولای ۲۰۱۱، پاراگراف ۲۶

^{۷۸} CCPR/C/POL/C/6، ۱۵ نوامبر ۲۰۱۰، پاراگراف ۲۳

^{۷۹} همان‌طور که در بالا اشاره شد، برای مثال در مارس ۲۰۰۷، پلیس و نیروهای امنیتی به یک مهمانی خانگی در اصفهان یورش برده و ۷۸ مرد را دستگیر کرده بودند. به گفته شاهدان عینی که توسط دو سازمان IROO و IGLHRC جمع‌آوری شده است، پلیس به طرز وحشیانه‌ای مردانی را که بازداشت کرده بود در هنگام انتقال به ماشین‌های ون، مورد ضرب و شتم قرار داده است. در زمان بازداشت، مردان دوباره مورد ضرب و شتم و تحقیر قرار گرفتند. بعضی از آنها برای معاینات مقعدی به سازمان پزشکی قانونی برده شدند تا پلیس بتواند شواهد کافی درباره اتهام لواط فراهم کند. پس از انتشار این خبر، تعداد زیادی از این مردان ایران را به دلیل تهدیدات مکرر و فشار روانی از سوی مقامات ایرانی که اطلاعات آنها را در دست داشتند، ترک کردند.

^{۸۰} برای مثال، در سال ۲۰۱۰، سروش، یک پسر ۲۷ ساله گی و یک بازدیدکننده دائمی چتروم‌های آنلاین گی به IROO خبر از تهدیداتی که از کاربری با آیدی به اسم «سپاه» (که در ایران به معنی سپاه پاسداران است) دریافت می‌کرده است داد. او در پیام‌های خود به سروش می‌گفت که قوانین سایبری ایران را نقض کرده و با پیگرد قانونی مواجه خواهد شد. رحمان یک پسر گی دیگر از کرمان به IROO اطلاعاتی از تشکیل یک گروه نظارتی بسیجی در کرمان که به دنبال شناسایی شبکه‌های همجنس‌گرایان و در ادامه آن به دام انداختن اعضایش با قرار گذاشتن‌های پیاپی بودند، گزارش کرد. به عنوان بخشی از این طرح، پلیس یک فرد تراجنسی را در کرمان بازداشت کرد و او را تهدید کرد که اگر او ال‌جی‌بی‌تی‌ها را لو ندهد، از حق قانونی و پزشکی خود برای تغییر جنسیت محروم خواهد شد. این حادثه منجر به دستگیری و محاکمه تعداد زیادی از مردان همجنس‌گرا در کرمان شد. مدارک در مصاحبه‌ی انجام شده با IROO در آرشیو این سازمان موجود است.

توصیه‌ها

- از آمیزش جنسی رضایت‌مندان، بوسیدن یا هم‌بستر شدن افراد با همجنس خود جرم‌زدایی شود و فوراً مجازات مرگ برای آمیزش جنسی رضایت‌مندان لغو شود.
- یک تمایز روشن قانونی بین اعمال همجنس‌گرایانه ارادی یا اجباری ایجاد شود و روش آن معرفی گردد.
- تضمین شود که زنان، برابری کامل اقتصادی و حقوقی در قبال مردان دارند، به طوری که لزبین‌ها و زنانی که با زنان دیگر رابطه جنسی برقرار می‌کنند بتوانند زندگی ایمن و کاملی داشته باشند.
- افراد تراجنسی در برابر قانون صرف نظر از اینکه تحت عمل جراحی تغییر جنسیت قرار گرفته‌اند یا نه، به رسمیت شناخته شوند.
- شرایطی فراهم آید که افراد تراجنسی ایرانی بتوانند دسترسی کامل به خدمات روانی، پزشکی و قانونی مانند دسترسی به هورمون درمانی و عمل جراحی تغییر جنسیت مطلوب آنها، داشته باشند.
- ادبیات تنفرآمیز و موهنی که مقامات ایرانی در توصیف دگرباشان جنسی و اعمال همجنس‌گرایانه استفاده می‌کنند باید خاتمه یابد.
- برنامه آموزش جمعی و کمپینی برای ارتقاء آگاهی مردم شکل گیرد تا به خشونت و تبعیض، آن هم بر صرف این اساس که انطباقی واقعی یا فرضی با گرایش یا هویت جنسی تعیین شده برای خود ندارند پایان داده شود.
- اعدام کسانی که در زمان ارتکاب جرم، زیر سن قانونی هستند متوقف شود و به طور قابل توجهی، مطابق استانداردهای بین‌المللی شامل بندهای میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و دیگر موارد، از جمله کنوانسیون مربوط به حقوق کودکان، مجازات‌ها کاهش یابد.
- به شکنجه دگرباشان جنسی که توسط نیروهای دولتی یا شبیه دولتی در بازداشتگاه انجام می‌شود، پایان داده شود.
- این اطمینان حاصل گردد که افراد تراجنسی زندانی که با افراد با جنسیت متفاوت در یک جا نگهداری می‌شوند، احساس امنیت کنند و به خصوص اقدامات احتیاطی خاصی به منظور حفاظت از آنها در برابر تجاوز جنسی انجام گیرد.
- به پیگرد قانونی افرادی که متهم به اعمال همجنس‌گرایانه هستند بر اساس شواهد ناکافی یا شواهدی که تحت شکنجه به دست آمده‌اند، پایان داده شود.
- تضمین شود افراد زیر سن قانونی که به اعمال همجنس‌گرایانه متهم هستند مادامی که در بازداشت به سر می‌برند، سطح بالایی از حفاظت و امنیت دارند. این موارد باید با شرایط میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی از جمله آنهایی که مربوط به حقوق کودکان می‌شود همسو باشد.
- به دستگیری‌های خودسرانه‌ی دگرباشان جنسی توسط نیروهای دولتی و شبه نظامی مانند بسیج پایان داده شود و فوراً همه کسانی که غیرقانونی به زندان افتاده‌اند آزاد شوند.

- تضمین شود همه مردم بدون در نظر گرفتن گرایش جنسی، هویت جنسی یا فرضا اعمال همجنس‌گرایانه، تحت یک فرایند دادرسی درست، نامتناقض با تعهدهای قانون ساسی و بندهای میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی حمایت می‌شوند.
- این اطمینان حاصل شود که افراد متهم به اعمال همجنس‌گرایانه وکیل قانونی دارند. اطمینان حاصل شود که ارتباط بین متهم و وکیلش به طور منظم و تعریف شده است و اطمینان حاصل شود که متهم دسترسی به وکیل مدافعی که دگرباش‌ستیز نیست، دارد.
- این تضمین داده شود که مدافعین حقوق بشر، خودسرانه به جرم لواط به منظور بی‌اعتبار کردن و اعدام آنها، متهم نشوند.
- تضمین شود که اسم و هویت افرادی که متهم به اعمال همجنس‌گرایی می‌شوند محرمانه باقی بماند.
- تضمین شود که روزنامه‌نگاران و سازمان‌های فعال حقوق بشری مستقل، بتوانند بر روند محاکمه و رفتار با متهمین لواط، با رعایت محرمانگی، بتوانند یافته‌های خود را علناً گزارش کنند.
- دولت ایران باید همه قوانین و مقرراتی را که آزادی بیان و عقیده را سانسور و دسترسی ایرانیان از جمله دگرباشان جنسی را به اطلاعات محدود می‌کنند، بردارد.
- نهادهای دولتی مانند وزارت فرهنگ و ارشاد و سپاه پاسداران، نباید اطلاعات مربوط به دگرباشان جنسی را از طریق سانسور، تله گذاشتن، دستگیری، تهدید و آزار و اذیت سرکوب کنند.
- پلیس ایران می‌بایست حملات خود به گروه‌ها و گروه‌های اجتماعی دگرباشان جنسی را پایان دهد.
- مقامات ایرانی می‌بایست برای گروه‌ها و دگرباشان جنسی حق تشکیل آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز را برابر با بقیه مردم که از آن بهره‌مند هستند به رسمیت بشناسند و در جایی که سطح قانون داخلی و اجرای آن، پایین‌تر از حقوقی است که میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در نظر دارد باید استانداردهای بالاتر از این میثاق غالب شود.